

کارکرد دریا و متعلقات آن در اشعار منوچهر آتشی

فاطمه متولی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

یکی از مهم ترین عناصر ادبیات بومی، بازتاب اقلیم و انعکاس آن در اشعار شاعران می باشد. برای شاعران جنوبی دریا از مهم ترین عنصر اقلیمی و بومی می باشد که بازتاب قابل توجهی در زندگی و اشعارشان دارد. هدف پژوهش، بررسی کاربرد دریا و متعلقات آن در اشعار منوچهر آتشی می باشد. راهبرد پژوهش، کیفی و راهکار اجرایی به صورت اسنادی و رویکرد آن روش توصیفی تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می دهد دریا در اشعار شاعری دریانشین فراتر از یک پدیده طبیعی بوده و روح دریا با تمام متعلقاتی که منحصر به خودش است، با اندیشه و خیال و زندگی وی به طور شگفتی آمیخته شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات بومی، دریا، منوچهر آتشی، جنوب

مقدمه

«من در سفر زاده شدم
در کوچ طایفه‌ی خزان زده‌ی آدم‌ها
در بغض عاطفه‌های وحشی و تاریک
و هنگامی که سایه‌ی خشمگین مردان ستیزه‌جو
بر نجوای مبهم دره‌ها یورش می‌برد
من در رویای کمرنگم
زنبور طلایی ستاره‌ای را دنبال می‌کردم.»

چندسطر بالا که از یکی شعرهای «آهنگ دیگر» برداشت شده، به گفته‌ی خود منوچهر آتشی بازگوکننده‌ی راستین تولد اوست. محیط زندگی و منطقه‌ای که یک شاعر یا نویسنده در آن چشم به جهان گشوده و با تار و پود آن منطقه و عناصر بومی آن بالغ شده است، تاثیر بسیاری در چشم انداز شاعر به زندگی و نحوه بیان و تفکرش می‌گذارد. به گفته‌ی منوچهر آتشی: «شاعر هنگامی که با محیط خود و جهان گرداگرد خود یگانه شد، شاعر می‌شود.» (آتشی، ۱۳۸۹) هنگامی که اشعار منوچهر آتشی را مطالعه می‌کنیم تاثیرپذیری او از عناصر و نمادهای محلی و هویت بومی جنوب را به وضوح مشاهده می‌کنیم. طبیعت، جان مایه و اساس شعر منوچهر آتشی است که آن را با ذات شعر خویش یگانه کرده است. تصویرهای شعری آتشی برگرفته از شباهت‌های میان طبیعت و انسان است که ذهن او به طور ناخودآگاه آن را جست و جو و احساس کرده است. (محقق، عبدالمجید، ۱۳۹۳) یکی از مهم‌ترین عناصر محلی و منطقه‌ای منوچهر آتشی دریا و متعلقات آن می‌باشد که بسامد زیادی در اشعارش دارد. دریا از مهم‌ترین عناصر اقلیمی است که تمام شاعران دریانشین بی شک در خیال، تفکر و اشعار خود آن را بازتاب داده اند. شاعران دریانشین با صدای موج دریا آرام می‌گیرند و با متعلقات آن، با تمام گوش ماهی‌ها و صدف‌ها و مرجان‌ها مشاعره می‌کنند. اشعار شاعران فرهنگ مردم حوزه خلیج فارس، مشحون از شاخص‌های فولکلوریک است و از این روست که پیوندی عمیق و رابطه‌ای صمیمی با زندگی عادی مردم دارد و در واقع، بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه‌ی کار و تولید و نحوه‌ی زیستن و نشان‌دهنده‌ی رفتار، منش، اندیشه و تعلق خاطر و دلبستگی‌ها و وابستگی‌های این دیار پر رمز و راز و سواحل مروارید خیزش می‌باشد. (شهرجو، یدالله، ۱۳۹۴) بر ما واجب است عناصر بومی تاثیرگذار بر آثار شاعران سرزمینمان را به خوبی بشناسیم و علل اهمیت آن را بدانیم و در حفظ و حراست از آن به نیکی بکوشیم.

روش تحقیق

در این پژوهش، اطلاعات و داده‌ها از راه مطالعه مواردی مانند مجموعه اشعار، زندگی‌نامه، اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها، وب سایت‌های علمی و پژوهشی و مقالات متعدد جمع‌آوری گردید. بدین شکل روش انجام تحقیق کتابخانه‌ای و به صورت کیفی می‌باشد. تحلیل این پژوهش، تحلیل توصیفی تطبیقی است.

یافته‌ها

منوچهر آتشی که خود را پری زده و مجنون جان شعر می‌نامد، در سال ۱۳۱۰ در روستای دهرود از توابع دشتستان از بخش بوشکان بوشهر متولد شد. تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را در مدارس بوشهر و آموزش‌های بعدی را در دانشسرای مقدماتی شیراز و دانشسرای عالی تهران به پایان رسانید. منوچهر آتشی نخستین مجموعه‌ی شعر خود را با نام «آهنگ دیگر» را در سال ۱۳۳۹ در تهران به چاپ رسانید. پس از آن مجموعه‌های آواز خاک (۱۳۴۷)، دیدار در فلق (۱۳۴۸)، بر انتهای آغاز (۱۳۵۰)، وصف گل سوری (۱۳۶۷)، گندم و گیلان (۱۳۶۸)، زیباتر از شکل قدیم جهان (۱۳۷۶)، چه تلخ است این سیب (۱۳۷۸)، حادثه در بامداد (۱۳۸۰)، اتفاق آخر (۱۳۸۰)، خلیج و خزر (۱۳۸۱)، غزل‌های سورنا (۱۳۸۴)، ریشه‌های شب (۱۳۸۴) را منتشر کرد. وی در سال ۱۳۸۴ دیده از جهان فرو بست. منوچهر آتشی، از شاعران صاحب سبک و مدرن حوزه‌ی «شعر نیمایی» است. آتشی در قلمرو شعر امروز به عبارتی،

اسطوره پردازی از جنس آفتاب و شن است که از دریا و کویر جنوبی، اندیشه‌ها و خاطره‌های دور و نزدیکی دارد. آتشی در اقلیم جنوب، فرصتی کاشفانه در جهت دستیابی به عناصری از طبیعت و فرهنگ بومی و نگرش تاریخی از سرزمین مادری اش بود. (ولی‌زاده، ۱۳۹۰) منوچهر آتشی در سال‌های فراوان شاعری، بارها و بارها پوست انداخت. شاعر «اسب سفید وحشی» اگرچه با همین شعر، به عنوان شاعری با ویژگی‌های حماسی جنوبی و استخواندار تثبیت شده بود، بعد از سال‌های شاعری و پرورش شاعر، در «گندم و گیلان» شاعری دیگر شد. آتشی همیشه شعر جوان را دنبال کرد و حتی در سال‌های سالخوردگی، شعر جوان سرود؛ همان‌طور که مثلاً شاعر دیگر جنوبی، علی باباچاهی چنین می‌کند یا مثلاً سیدعلی صالحی و مفتون امینی. (ولی‌زاده، ۱۳۹۰) منوچهر آتشی به واسطه دلبستگی شدیدش به زندگی ایلپاتی و غیرشهری، از استعاره‌ها، تمثیل‌ها و مضامین ویژه‌ای استفاده می‌کند که عمدتاً با دریا، خلیج، کوه، دشت، بیابان، بیشه و علف، درخت و کلبه، پرچین و اسب، درندگان و پرندگان و نظایر آن سروکار دارند و زندگی شهری را سرزنش و تحقیر می‌کنند. (ادیب راد، ۱۴۰۰) منوچهر آتشی شاعری است که بیشتر بن‌مایه‌های شعری او بر پایه‌ی اقلیم و محیط جنوب استوار است. فروغ فرخزاد درباره دفتر «آهنگ دیگر» او نوشت: «آتشی با دیوان اولش مرا به کلی طرفدار خودش کرد. خصوصیات شعرش به کلی با مال دیگران فرق داشت مال خودش و آب و خاک خودش بود. وقتی کتاب اول او را با مال خودم مقایسه می‌کنم، شرمند می‌شوم.» (جلالی، ۱۳۷۶) توجه به بومی‌گرایی و حال و هوای زادگاهش، هویت ذاتی منوچهر آتشی در اشعارش را می‌سازد. آتشی شاعری است که حس غم و غربت زیادی را در خود حس می‌کند که تاثیر عظیمی را در اشعارش گذاشته است. دریا علاوه بر جایگاه دریانشینی و اثرات فرهنگی آن برای چنین شاعری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دریا طنین آرامش و دوری از همان فضای شلوغ و غریبی است که آتشی به آن پناه می‌برد. براهنی در خصوص توجه منوچهر آتشی به زادگاه و هویت بومی اش می‌گوید: «تازگی و اصالت مفهوم و محتوی در شعر منوچهر آتشی، از این جا ناشی می‌شود که او به تجربه‌ی حواس خود وفادار است یعنی آن چه محیط او محیط وحشی و حیوانی و تا حدی غریزی، آن محیط دریا و اسب و شن و واحه و بندر و مردمان آن محیط سرشار از خشونت غریزه به او دیکته می‌کنند او در تخیل خود از آن‌ها صحبت می‌کند.» (براهنی، ۱۳۷۱) بسامد استفاده از عناصر بومی و محلی در شعر آتشی در دو دفتر «آواز خاک» و «آهنگ دیگر»، یعنی در دفترهای نخستین وی بیش از دفترهای دیگر اوست و شاید از همین روست که این دو دفتر از موفق‌ترین آثار وی می‌باشند. (محقق، ۱۳۹۲) یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین عنصر بومی که آتشی بسیار از آن در اشعارش بهره گرفته است، دریا و متعلقات آن می‌باشد. «در شعر آتشی، ساحل نشین‌ها، روستاییان و جاشوانی را می‌بینیم که با تلاطم‌های دریا دست و پنجه نرم می‌کنند. شاعران کهن و مدرن زبان فارسی، به دلیل اقامت در بخش‌های دور از دریا، کمتر از دریا و ساحل و کشتی و ... سخن گفته‌اند و آن‌جا که در این باره سخن رانده‌اند، دریای وصف شده‌ی آن‌ها کلی، استعاری و مجازی است. اما آتشی دریای واقعی را به عرصه‌ی شعر آورده است به طوری که بوهای شور دریا، زهم ماهی‌ها و بوی عرق بدن جانوران را می‌شنویم.» (دستغیب، ۱۳۸۶) شعر «خلیج و خزر» حکایتی طولانی از دریا و دریانشینان و رزم‌آوران دریاست و آنچه به دریا گره می‌خورد، آتشی خود دریانشینی است که از زیر و بم دریا آگاه است. نفس‌های دریا را می‌شناسد و از راز سربه‌مهر این خطه از سرزمینمان دنیادانیا خاطره دارد. (غزنوی، ۱۳۹۶) آتشی بسیاری از متعلقات دریا از قبیل عناصر کشتیرانی، دریانوردی، نام‌آزبان دریای جنوب، عناصری که در باور مردمان جنوب است و یا حتی از واژه‌هایی که متعلق به دریا است به عنوان تمثیل و یا در جایگاه تشبیه در اشعار خود استفاده می‌کند:

۱-۳- عناصر مربوط به کشتی: کشتی، ناخدا، سکان، دکل، لنگر، قطب‌نما، عرشه، شراع، بادبان و ...

* این همه نفرین چرا با من؟ / من کیم جز ناخدای آخرین بندر؟ ...

* چو موج، سد بلند شکیب من بشکن

سفینه‌وار ز موج شتاب من بگذر

* انگشت پیر قطب‌نما / پیوسته با شمال اشارت داشت ...

* جام سرخ روشن خورشید / با شراب تازه هر روزش آکنده / آسمان‌های درون سینه ات جاری / چشم ساحل را / بادبان زورق بگسسته

لنگر را / می‌فریبی این همه را، می‌بری این ارمغان‌ها را کجا، دریا؟

۲-۳- عناصر مربوط به دریا و محیط اطراف آن: بندر، ساحل، زورق، خلیج، مد، قایق، جاشوان، شط، طوفان، گرداب، مرجان، صدف، در،

نیلوفر، مروارید، شناگر، گوش ماهی، جزیره، جلگه، اسکله، لنج، اقیانوس و

*اون جا لنج‌های لاغر به آب می‌زنن

*ترا به عشوه گرداب و بهت شاعر نومید/ ترا... به خیزاب/ مرا، نوازش کن/ جزیره های زنده مرجان و گلبوته های خرم مروارید/ و آرامگاه دختر دریا را/ به من نشان بده

* و آنک/ سر فرو در آخور سبز خلیج/ آنک/ هر آن قایق که می‌خواهی/ گشاده بادبان، آماده/ هان، برخیز

*من از جنوب باغ ساکت خلیج/ من از جنوب جنگل بزرگ آفتاب آمده ام

*با این شکسته/ گفتم/ از اقیانوس خواهم گذشت/ آن سوی سواحل نامشکوف/ با جلگه های دست نخورده/ با پشته های سیراب/ و دره های وحشی پربرکت/ خواهم آمیخت/ بذری بی بدیل خورجینم را/ در وسعت مشاع بکارت خواهم ریخت

*مثل دریایی تو

انده‌انگیز و غرور آهنگ

مثل دریای بزرگ بوشهر

که پر از زورق آزاد پریشانگرد است

مثل زورق که پر از مرد است

مثل ساحل که پر از آواز است

مثل دشتستان

که بزرگ و باز است

*نامت، مژگانم را در می‌گیرد.

*در کوچه‌ای که به دریا و اسکله های بندرهای بیگانه می‌انجامد

در خانه شماره ۵۸

مردی برای مردن آماده است.

*قایق ایستاد

و دریا را

به اسکله گره زد

*گوش ماهی ها کنار سنگ ها افشاندن چون پرها

*الان نیلوفرها توی مانداب ها می‌رویند

زورق ها مثل نقاشی های آبرنگ هستند

۳-۳- اسامی حیوانات دریایی: مرغ ماهی‌خوار، کوسه، خرچنگ، سنگر، نهنگ، مرغان دریایی و

*یک نهنگ دورافتاده به دریا افتاده

تنش بوی هل پوسیده می‌ده

*مرغ ماهی‌خوار در رویای پرموجش/ ماهیان رنگ رنگ از آب می‌گیرد...

*می‌دود خرچنگ هر اندیشه در غار سیاه بهت/ جاشوان بر عرشه مرطوب/ خواب های تیره آشفته می‌بیند

*هشدار! نطفه نهنگ است عشق نه کرمینه وزغی/ و لمحہ ای تلاطم طغیاناش را/ دلی به هیبت دریا می‌طلبد

*با بادهای حکایت تلخی‌ست

که می‌تواند، یکباره

انبوه ماهیان را

مرده، به روی آب برانگیزد

* در آب زلال چشمه که نگرستم

ماهی قرمز شتابناکی

به درون بیشه‌ها خزید

* و مرگ، ماهی سفیدیست که می‌گریزد

از کنار پوزه‌ی باریک زورقی سیاه

۳-۴- عناصری که در باور مردمان جنوب است: بوسلمه و ماما سلمه که حامیان دریا و مراقب غرق شدگان هستند.

جمعه/ در گورستان بومیان/ برای هردومان فاتحه می‌خوانم/ و دسته‌ی گل سرخی می‌گذارم/ روی پنجه‌ی گورم که دلفین است/ ناگهان

چند زن و مرد/ بوسلمه و ماما سلسله‌ی دریا هم آیا؟.../ از خلال جنگالشان می‌شنوم:/ امامزاده دریایی و همسرش/ ظهور مرده‌ها به

دست/ شاید دریا طغیان کند/ اما تبرک هم دارد. (آتشی/ ۱۳۲۹)

۳-۵- اسامی دریا و متعلقات آن در جایگاه تمثیل:

در شعر «شوریده‌واری...» بدین شکل شعرش را به تمثیل بیان می‌کند:

*بیدار خواب خاموش

آهوی بی‌خیال خرامانی

در جلگه‌های خرم آبم امشب

آب از سرم گذشته است

اما هراس مرگم نیست

من ماهی ام

نیلوفری گریزان بر آبم...

آتشی در چندجای این بند به تمثیل و تجمیع تضادها سخن رانده است. همچنین تشبیه شاعر به «ماهی» با تمام خصوصیتی که در آب

زیست می‌کند و باید آب روی سرش را بیپوشاند و تشبیه شاعر به «گل نیلوفر» که از آب می‌گریزد و سر خود را از آب به بیرون می‌کشد.

(غزنوی. ۱۳۹۶)

۳-۶- اسامی دریا و متعلقات آن در جایگاه تشبیه:

*دیوارهای اکنون مرجان و گوش‌ماهی و گسار

دیوارهای سنگ و صدف

آکواریوم قهوه‌ای و سرخ کوسه‌های هراس آور

که گنج‌های باستانی سیراف را می‌پایند...

تشبیه سنگواره‌هایی که از فشرده شدن گوش‌ماهی‌ها و مرجان‌ها تشکیل شده‌اند به کوسه‌های هراس‌آوری که از گنج‌های باستانی

سیراف مراقبت می‌کنند.

*یک قایق حقیر

بی‌بادبان و دکل

بر موج‌ها فراز و فرودی دارد غریقوار

-یک قایق شکسته؟-

نه!

تابوتی سرگردانم.

تشبیه شاعر به تابوتی سرگردان که رها در دست امواج خروشان دریاست. و یا در شعر «دیدار ساحلی» از مجموعه‌ی «وصف گل سوری»

باران کنار دریا (نه هر بارانی که در هرجایی ببارد) و انسان کنار دریا (نه هر انسانی) را تشبیه به موارد مختلفی می‌کند:

*باران کنار دریا بوتیمار است

*باران کنار دریا معماری غریب حواصیل است

*انسان کنار دریا شکل الهه‌ای است

-عریان و خیس و تاریک-

که روی تخته سنگ سیاهی دوزانو نشسته

بحث و نتیجه‌گیری

شعرهای منوچهر آتشی را می‌توان از برجسته‌ترین نمونه‌های اشعاری دانست که رنگ و بوی هویت بومی و فرهنگی دارند. توجه خاص آتشی به عناصر بومی خصوصا طبیعت محل زندگی اش، اشعار وی را متمایز و از اصالتی بومی‌گرا برخوردار می‌کند. آتشی از مهم‌ترین شاعران معاصر است که در احیا و بکارگیری نمادهای بومی و استفاده از عناصر اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی زبانزد می‌باشد. از برجسته‌ترین هویت بومی در اشعارش استفاده از دریا و متعلقات آن می‌باشد که در این مقاله به بررسی کاربرد دریا و متعلقات آن در اشعار منوچهر آتشی پرداخته شد و کم و کیف چگونگی بهره‌گیری وی از دریا در اشعارش ذکر شد. آتشی هنرمندانه مخاطب را با رنگ و بوی دریا و فرهنگ بومی دریانشینی جنوب سرزمینمان آشنا می‌کند. بررسی‌های این مقاله به خوبی نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوع و جایگاه کلمات بومی‌گرا در اشعار منوچهر آتشی، متعلق به کاربرد دریا و متعلقات آن می‌باشد.

منابع

۱- آتشی، منوچهر، ۱۳۸۰، آهنگ دیگر، تهران، انتشارات نگاه

۲- آتشی، منوچهر، ۱۳۸۳، آواز خاک، تهران، انتشارات نگاه

۳- ولی‌زاده، محمد، ۱۳۹۰، مرا تلنگر یادت بس، شیراز، انتشارات داستان‌سرا

۴- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد، هویت بومی در شعر منوچهر آتشی، پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سیزدهم، ۱۳۹۴

۵- ادیب راد، نرگس و یوسف فام، عالیه، تاثیر زیست بوم‌های مختلف زمانی در اشعار سهراب سپهری و منوچهر آتشی از منظر نقد بوم‌گرا، فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال نهم، ۱۴۰۰

۶- محقق، عبدالمجید و حیات داودی، فاطمه، جلوه‌های شاعرانه رنگ محلی در اشعار منوچهر آتشی، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره چهارم، ۱۳۹۳

۷- غزنوی، مرضیه و وفایی، عباسعلی، هویت بومی و منطقه‌ای اشعار منوچهر آتشی در محمل تمثیل، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره سی و چهارم، ۱۳۹۶

۸- شهرجو، یداله، بازتاب مفهوم دریا در شعر شاعران نوپرداز جنوب مطالعه موردی استان هرمزگان، همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۴